



مرور دولت دوم حسن روحانی

دردسرهای عظیم

گروه سیاست: حسن روحانی در فروردین سال ۹۶ در حالی وارد رقابت‌های انتخاباتی ریاست‌جمهوری شد که برجام را به‌عنوان برگ برنده دولت اول خود در دست داشت و اصلاح‌طلبان و طرفداران آنان از دولت او حمایت می‌کردند. باین‌حال روحانی...

صفحه ۲

دوشنبه ۲۸ مهر ۱۳۹۹ ۲ ربیع‌الاول ۱۴۴۲ ۱۹ اکتبر ۲۰۲۰



تصویب یک فوریت حمایت مالی از افشاگران فساد

بهارستانی‌ها دنبال تشویق «سوت‌زنان»

صفحه ۳



نامزدهای حزبی به خط شدند

مرعشی: کاندیداهای حزبی ما جهانگیری، محسن هاشمی همتی، ملک‌زاده، هاشمی‌طبا و کرباسچی هستند

صفحه ۲

نمکدوست، استاد دانشگاه:

جامعه از فیلترینگ به اندازه نبود آزادی اندیشه ضرر می‌بیند

گروه جامعه: «جامعه از فیلترینگ به اندازه نبود آزادی اندیشه ضرر می‌بیند، زیرا فضای مجازی موجب می‌شود مردم در چارچوب ارتباطی حکومت‌ها را نقد کنند که فضای بسته این امکان را از بین می‌برد و مانع گفت‌وگوی متقابل می‌شود»...

صفحه ۹

سال هجدهم شماره ۳۸۴۴ ۱۲ صفحه ۵۰۰۰ تومان

سرمقاله

سراداد بر آستان حضرت دوست

مهدی رحمانیان - مدیرمسئول



چشم مرا تا به خواب دید
جمالش/ خواب نمی‌گیرد از
خیال محمد/ سعدی اگر عاشقی
کنی و جوانی/ عشق محمد بس
است و آل محمد

آغاز کلام با غزل شورانگیز شیخ اجل سعدی شیرازی (رحمه‌الله علیه)، مرا به روزهای نوجوانی خود در شیراز مقابل سعدیه زیبا برد. در آن دوران از میان همه اشعار آن معجزه‌گر سخن، «ماه فروماند از جمال محمد» را ورد زبان داشتیم؛ بیتی که اشاره به بزرگ‌مردی دارد که تاریخ بشریت را از آغاز تا فرجام با نام خود معطر کرده است. او کسی نیست جز حضرت محمد رسول‌الله (ص) که در دوران چیرگی تاریکی و ظلمت بر نور، یعنی در فاصله فراموشی تعالیم پیامبران پیشین تا ندای دوباره جبرئیل امین، مبعوث شد برای احیا و به‌کمال‌رساندن دوباره مکارم اخلاق. حاصل ۲۳ سال تلاش ایشان در ترویج یکتاپرستی، اخلاق، معرفت، کرامت، انسانیت و احترام به یکدیگر در راستای برادری و برابری، برگ زرینی است بر تارک کتاب آموزش‌های انبیای الهی از آدم ابوالبشر تا نوح نبی، ابراهیم خلیل، موسی کلیم‌الله و عیسی روح‌الله. آرزوی رسل این بوده است که انسان‌ها از آغاز خلقت تا به امروز، جویندگان زندگی بهتر و در پی تعالی و بهره‌مندی در عین پایبندی به حق همزیستی و حیات باشند و از حذف و تعصب دوری ورزیده و مهر و مدارا را سرلوحه عمر بسیار کوتاه خود قرار دهند. اینکه تا چه میزان در جهان امروز و در جامعه ایران امروز، این تعالیم نورانی سرلوحه همگان قرار دارد، منظور این یادداشت نیست.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

مدیریت بحران کرونا و آلودگی هوا

مهدی زارع



امسال شروع فصل آلودگی هوا با تداوم همه‌گیری کرونا همراه شد. از روز بیستم مهر -تقریباً مطابق همه سال‌های اخیر- اخبار مرتبط با ناسالم‌شدن

هواي تهران منتشر شد. روز بعد در بیست‌ویکم مهر شاخص کیفیت هوا ۱۲۱ گزارش شد و اعلام شد که کیفیت هوای تهران برای گروه‌های حساس جامعه آلوده و ناسالم است. تهران از ابتدای سال هم‌زمان با شیوع کرونا ۱۵ روز هوای پاک، ۱۵۲ روز هوای قابل قبول، ۲۷ روز هوای ناسالم برای گروه‌های حساس جامعه و دو روز هوای ناسالم برای همه افراد داشته است. در مدت مشابه در سال ۹۸، پایتخت ۲۵ روز هوای پاک، ۱۵۳ روز هوای قابل قبول، ۲۷ روز هوای ناسالم برای گروه‌های حساس جامعه و یک روز هوای ناسالم برای همه افراد جامعه داشت. همین آمار اولیه که در اولین روزهای شروع بازه آلودگی هوای تهران منتشر می‌شود، نشان می‌دهد که همین سال کرونایی که آمدوشد مردم با وسایل نقلیه شخصی (به دلیل همه‌گیری کرونا) بیشتر بوده است، از نظر آلودگی هوا نیز وضعی بدتر از سال قبل داشته است. از سوی دیگر از اواخر شهریور ۹۸ در موج سوم بیماری کرونا در ایران قرار گرفته‌ایم. روز ۲۸ شهریور آمار مبتلایان روزانه به کرونا از سه هزار نفر فراتر رفت و از ۱۵ مهر نیز با ابتلای روزانه بیش از چهار هزار نفر به کرونا مواجهیم. تعداد فوت روزانه از چهارم مهر از ۲۰۰ نفر روزی گرفت و تقریباً در همه سه هفته قبل با چنین وضعی مواجهه بوده‌ایم. حال اگر دانسته‌های پایه درباره ویروس کرونا را مرور کنیم، به جمع‌بندی جدیدی هم می‌رسیم: ۸۰ درصد از موارد تأییدشده آزمایشگاهی کووید ۱۹ خفیف تا متوسط است، ۱۶ درصد شدید و ۲۸ درصد بحرانی گزارش شده است. لازم است بدانید که یک مورد خفیف کووید ۱۹ همانند یک مورد خفیف سرماخوردگی نیست و همچنان نشانه‌های آن شدید است.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

ایران و مناقشه قره‌باغ

مشمول ظلم تزارای بودند که خود نوعی «عدل» بود. ازاین‌رو هنگامی که بحث تجزیه قفقاز پیش آمد، در آن مقطع نه‌فقط این دیدگاه در بدنه اصلی سرآمدان سیاسی قفقاز طرفدار چندانی نداشت؛ بلکه اصولاً آمادگی چنین کاری نیز وجود نداشت. باین‌حال پیشروی قوای نظامی عثمانی ادامه داشت و چاره دیگری در پیش نبود و بالاخره در بهار ۱۹۱۸ قفقاز به سه جمهوری مستقل تقسیم شد. گرچی‌ها که دراین‌میان حمایت آلمان، متحد جنگی عثمانی را جلب کرده بودند، توانستند تا حدودی منافع خود را حفظ کنند. لطمه اصلی را ارمنی‌ها متحمل شدند که در مراحل پیشین جنگ هدف یک قتل‌عام گسترده قرار گرفته بودند و اینک نیز با پیشروی عثمانی‌ها چشم‌انداز دیگری در پیش‌روی نداشتند. ارمنی‌ها وادار شدند به یک حوزه کوهستانی محدود در حول و حوش ایالت ایروان رضایت بدهند. اساس رشت‌ای از مناقشات مرزی بعدی قفقاز ازجمله مناقشه قره‌باغ در چنین چارچوبی ریخته شد. ترکان عثمانی در چارچوب تحولات نظامی و سیاسی خود و در تدارک فراهم‌آوردن زمینه پیشروی‌های بعدی خود کار دیگری نیز کردند: «آذربایجان» نام‌نهادن بخش جنوب شرقی و عمدتاً مسلمان نشین قفقاز. بخشی که از دوران کهن به نام آلبانیای قفقاز و در دوره بعد از اسلام به اران معروف بود و در پی چیرگی طوایف ترک‌زبان از دوره سلجوقی به بعد در آن حوزه نیز به نام خان‌نشین‌های گنجه و شیروان، شکلی، قوبا، قره‌باغ و ایروان شهرت داشت. البته اکثر جراید ایران در آن دوره که به تبعات چنین اقدامی کاملاً واقف بودند، بلافاصله اعتراض کردند و دولت ایران نیز ضمن اعتراض به «آذربایجان» نامیده‌شدن آن حدود، هیچ‌گاه آن را مورد شناسایی قرار نداد. در بخش دیگر از این یادداشت به تبعات «آذربایجان» نامیده‌شدن اران اشاره خواهد شد. در این مسلمان‌های قفقاز با عثمانی، با مقاومت چندانی روبه‌رو نبود. تجزیه قفقاز براساس هویت‌های قومی و مذهبی منطقه بود؛ بحثی که در ترتیب‌آوری پیشین محلی از اعراب نداشت و این اقوام و ملل متنوع کم‌وبیش برجای‌مانده از ترتیب‌آوری ایرانیان، در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند و همگی به صورتی بالاسویه

کوهستانی با یک جمعیت ریشه‌دار ارمنی که در خلال تجدید سازمان امپراتوری روسیه در گذر از نظام تزاری به نظام بلشویکی به‌عنوان یک منطقه خودمختار در قلمرو اداری جمهوری آذربایجان شوروی قرار گرفت تا برای مداخله مسکو زمینه‌ای بر جای باشد. اما نکته دیگری که به‌ویژه در موضوع قفقاز و مرزهای داخلی آن باید در نظر گرفت، آن است که در یک مقطع مهم و تعیین‌کننده از مرزبندی‌های درونی قفقاز، این ترکان عثمانی بودند که تا حدود زیادی این مرزهای جدید را تعریف و تحمیل کردند و در واقع سنگ بنای بسیاری از تنش‌های بعدی را در حوزه قفقاز، ترکان عثمانی بنیان نهادند و روس‌ها نیز که بعد از دو، سه سال از نو بر قفقاز مسلط شدند، به این نتیجه رسیدند که ترتیب مزبور منافع استعماری آنها را نیز تأمین می‌کند و در مجموع آن را پذیرفتند. در پی انقلاب ۱۹۱۷ روسیه که در آغاز به تشکیل یک نظام دموکراتیک در امپراتوری روسیه منجر شد، در قفقاز نیز «سئیم» مجلسی متشکل از نمایندگان اکثر اقوام و ملل و احزاب سیاسی آن حدود که در تقلیس برقرار بود، کم‌وبیش زمام امور را در دست داشت و تحولات جاری را در روسیه دنبال می‌کرد. اما این صلح و صفای نسبی دوامی نیافت. ترکان عثمانی که در پی شکست‌های پی‌درپی در جبهه‌های بین‌النهرین، شام و فلسطین تقریباً تمام مستملکات خود را در آن حدود از دست داده بودند، فروپاشی روسیه را فرصتی تلقی کردند برای تمرکز تمه نیروهای‌شان در جبهه قفقاز و جبران مستملکات از دست‌رفته فوق در این قسمت. هدف اصلی دستیابی به سرزمین‌های ترک‌زبان آسیای میانه بود، سرزمینی موسوم به «توران» و گام اول نیز باید با فتح قفقاز آغاز شود. یکی از مهم‌ترین پیامدهای لشکرکشی ترکان عثمانی به قفقاز که با توجه به وضعیت به‌هم‌ریخته روسیه، اختلافات ارمنی‌ها و گرچی‌ها و همراهی مسلمان‌های قفقاز با عثمانی، با مقاومت چندانی روبه‌رو نبود، تجزیه قفقاز براساس هویت‌های قومی و مذهبی منطقه بود؛ بحثی که در ترتیب‌آوری پیشین محلی از اعراب نداشت و این اقوام و ملل متنوع کم‌وبیش برجای‌مانده از ترتیب‌آوری ایرانیان، در کنار برخوردار است؛ یک ناحیه محصور و صعب‌العبور



کاوه بیات

بسیاری از بحران‌های مرزی‌ای که از دیرباز تا به امروز تحولات منطقه‌ای را تحت‌الشعاع خود داشته است، میراث برجای‌مانده از سیاست‌های امپریالیستی و مداخله‌جویانه قدرت‌های ریز و درشت جهانی است؛ کمتر بخشی از جهان استعمارزده را می‌توان دید که از این عارضه مصون مانده باشد. در توضیح بیشتر به امپریالیسم بریتانیا می‌توان اشاره کرد که بر اثر سیاست‌های کوتاه‌مدت اداری و سیاسی خود در مستملکاتش زمینه‌ای از آشوب و اغتشاش را فراهم کرد که هنوز به قوت خود باقی است؛ بحث کشمیر، تقسیم یک حوزه پشتون‌زبان بین کشور افغانستان و پاکستان یا ترکیب نامتجانس کشورهایمانند عراق، در شبه‌قاره هند و خاورمیانه هر یک گواهی بر این مدعا هستند. یکی دیگر از نمونه‌های برجسته این مقوله رویکردهای اداری و سیاسی امپراتوری روسیه در قفقاز و آسیای میانه است؛ در این حوزه نیز کمتر نقطه‌ای را می‌توان یافت که در آن زمینه‌ای برای تنش و تشنج و بهره‌برداری‌های آنی و آتی مسکو بر جای نمانده باشد. از انضمام بخش‌های وسیعی از مناطق فارسی‌زبان آسیای میانه به مرکزیت سمرقند و بخارا به ازبکستان به جای تاجیکستان، مسائل وادی فراغنه که باعث بانی رشت‌های از تنش‌های منطقه‌ای است و از همه مهم‌تر سیاست‌های اداری و سیاسی روس‌ها در قفقاز که از دیرباز محل جدل و مناقشه بوده است و بعد از فروپاشی اتحاد شوروی به محل جنگ و درگیری تبدیل شد. چندی پیش شاهد موضوع اوستیا بودیم که روس‌ها از دیرباز با تقسیم آن به دو بخش شمالی و جنوبی، زمینه مداخلات آتی خود را فراهم کرده بودند و در آگوست ۲۰۰۸ برای گوشمالی تقلیس به نمایندگی از بخش شمالی‌اش که در فدراسیون روسیه قرار دارد، برای تصرف نیمه جنوبی‌اش به گرجستان حمله کردند. مناقشه قره‌باغ نیز از ماهیت مشابهی برخوردار است؛ یک ناحیه محصور و صعب‌العبور

حرف اول

سریال شارلی ابدو

مهرنوش جعفری



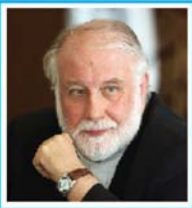
زمستان سال ۱۳۹۳ پاریس شاهد اتفاق عجیبی بود؛ حمله به دفتر شارلی ابدو و کشته‌شدن چند نفر، به تلافی اقدام تحریک‌آمیز این روزنامه

کم‌تیراژ یعنی انتشار کاریکاتوری از پیامبر گرامی اسلام، اینک پس از شش سال و این بار درست مقارن با رحلت پیامبر(ص)، رخداد مشابهی واقع‌ه شارلی ابدو را در یادها زنده کرد. یک معلم در مدرسه‌ای در حومه پاریس به‌زعم خودش برای تمرین آزادی و رواداری در کلاس درس، کاریکاتورهایی از پیامبر اسلام را به شاگردانش نشان می‌دهد؛ به فاصله چند روز معلم به دست یک مسلمان روس و با اصلیت چچنی مورد حمله واقع شده و سرش بریده می‌شود. این اتفاق خونین تیر اول رسانه‌ها را اشغال کرده و واکنش‌های مشابه شش سال قبل را در سطح جهانی زنده کرد. بحث درباره سازگاری آموزه‌های دینی با شفقت و مدارا و مخالفت آن با خنوتن و اقرار، اگر چه مهم است، اما عاجل‌تر از آن در شرایط کنونی ادامه تحلیل واکنش‌ها به این واقعه است تا تصویر روشنی از نسبت جایگاه جهان امروز به وضعیت مطلوب انسانی به دست دهد. آیا واکنش‌های گذشته و کنونی به حادثه پاریس می‌تواند راهگشای جامعه جهانی برای برون‌رفت از خشونت و رادیکالیسمی باشد که امروز در اقصا نقاط کشورهای جهان رشد کرده و سایه خود را تا قلب اروپا گسترانیده است؟ آیا این واکنش‌ها از جنسی هست که بتواند ما را در عبور از وضعیتی به‌شدت آسیب‌پذیر از خشم و نفرت امروز به سوی جامعه‌ای عاری از خنوتن یا دست‌کم جهانی بهتر از آنچه امروز در آن به سر می‌بریم، باری برساند؟ شش سال پیش در واکنش به حادثه پاریس صدای «من شارلی ابدو هستم» در اروپا و بلکه در جهان بلند بود. با توجه به قدرت برتر رسانه‌ای غرب، طبیعی می‌نمود که اگر گفتمان «من شارلی ابدو هستم» در فضای احساسی پدیدآمده چنان طنین‌انداز بود که همدلی و همسویی روشنفکران و نخبگان دیگر کشورها را برانگیخت و همگی در اعلام موضع و صدور اطلاعیه در حکومت آن، از یکدیگر پیشی گرفتند، اما باید پرسید آیا این مواضع و اطلاعیه‌ها همان سروسنجات‌بخشی بود که تقویت و گسترش آن، راهنمای ما در گذار به سوی جهانی مطلوب باشد؟

ادامه در صفحه ۲

عایق: محافظ ثروت ملی

شرکت پشم سنگ ایران



ارتباط با روزنامه شرق
SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR

ادامه در صفحه ۵